

«مریدور» و «الدادی»:
دفاع، شامل تمام
تلاش‌ها در سطح
ملی برای حفاظت از
جبهه داخلی است که
به عرصه اصلی نبرد
و به‌ویژه به دفاع از
مردم و زیرساخت‌های
استراتژیک مربوط
می‌شود. حفاظت از
خانه‌ها و همچنین
تقویت توانایی
بازدارندگی، افزایش
فضای مانور دولت،
احساس امنیت بیشتر
و کاهش آسیب‌پذیری
درمردم و زیرساخت‌های ملی
است

صهیونیستی را در اذهان خدشه‌دار کرد. چنین امری که عملاً قدرت بازدارندگی رژیم غاصب را زیر سؤال برد، می‌تواند برای فلسطینیان کرانه باختری و یا فلسطینیانی که در همسایگی این رژیم سکونت دارند، الهام‌بخش باشد.

افزون بر این، با آغاز طوفان الاقصی، گروه‌های مقاومت منطقه از جمله حزب‌الله و انصارالله نیز وارد جنگ محدود و عمدتاً موشکی-راکتی با رژیم صهیونیستی شده‌اند که با وجود گذشت بیش از ۱۰۰ روز از آغاز جنگ، اما رژیم صهیونیستی نتوانسته بازدارندگی لازم را حتی با کمک‌های همه‌جانبه ایالات متحده و کشورهای غربی به ارمغان آورد.

دومین اصل در دکترین نظامی و دفاعی رژیم صهیونیستی، «هشدار اولیه» است. عوامل بسیاری همچون موقعیت نامطلوب جغرافیایی این رژیم، توانایی کشورهای عربی در حمله سریع به دولت یهود، ظرفیت بالای جمعیتی اعراب و وجود عدم تقارن در خصوصیات جمعیتی و سرزمینی میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی و همچنین ناتوانی بسیج‌های مکرر و گسترده از جانب اشغالگران، مفهوم هشدار اولیه را به جایگاه خاصی در دکترین نظامی و دفاعی اسرائیل بدل کرده است. زمانی که اصل بازدارندگی شکست خورد و دشمنان رژیم صهیونیستی وارد درگیری و کشمکش با دولت یهود شدند، سازمان‌های اطلاعاتی این رژیم باید پیش از حمله، باخبر شوند و دستگاه حاکمیتی را مطلع کنند تا اقدامات لازم به‌منظور جلوگیری از شکست دولت یهود انجام شود.

این اصل نیز در جنگ طوفان الاقصی محقق نشد و این جنگ، شکست نظامی-اطلاعاتی بزرگی برای رژیمی به بار آورد که در شکوه داشتن دستگاه امنیتی قدرتمند و شکست‌ناپذیر غوطه‌ور شده بود. غافل‌گیری راهبردی سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و عدم فهم درست از تحولات غزه، عملاً به این نتیجه ختم شد که رژیم صهیونیستی برای حمله آماده نبودهاست. (zegart, x v x 3)

سومین اصل دکترین نظامی-دفاعی رژیم صهیونیستی «تصمیم‌گیری نظامی» است. تصمیم‌گیری نظامی به توانایی بازداشتن دشمن از تداوم جنگ یا نابودی توانمندی‌های نظامی آن یا تضعیف میل و اراده روانی او برای انجام این کار اشاره می‌کند. این اصطلاح را می‌توان در زمینه نظامی به کار برد؛ به این معنی که به کشور دشمن نشان داده شود استفاده از قدرت نظامی بی‌فایده است. از آنجایی که رژیم صهیونیستی در وضعیت جنگی ممتد و دائمی قرار دارد، از این رو این مفهوم به نوعی با مفهوم بازدارندگی در ارتباط است و همان‌گونه که «شموئل بار» می‌گوید: «در هر تقابل نظامی میان اسرائیل و دشمنانش، تصمیم بازدارندگی یکی از اهداف کلیدی استراتژیک جنگ است» (Bar, 35 x v x x) در عملیات طوفان الاقصی شاهد هستیم با وجود گذشت بیش از سه ماه از آغاز جنگ و حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به نوار غزه، اما گروه‌های مقاومت روزانه مناطقی از رژیم صهیونیستی را با راکت و موشک مورد هدف قرار می‌دهند و تا به حال این رژیم نتوانسته است حملات گروه‌های فلسطینی را خنثی و به بخشی از اهداف راهبردی خود در غزه دست یابد. از سوی دیگر، مقامات نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی با

وجود گذشت بیش از دو ماه از جنگ، قادر نبوده‌اند تصمیمی منسجم نسبت به آینده نوار غزه اتخاذ کنند و عملاً در «بن‌بست راهبردی» گرفتار شده‌اند.

چهارمین اصل اساسی در دکترین دفاعی-نظامی رژیم صهیونیستی، «دفاع مدنی» است. این اصل، به‌تازگی و در دو دهه اخیر به دکترین دفاعی و نظامی این رژیم اضافه شده است. با تغییر در محیط امنیتی رژیم صهیونیستی که در آن دشمنان رژیم صهیونیستی از حلقه دوم (همسایگان) به حلقه اول (داخل سرزمین‌های اشغالی) و حلقه سوم (کشورهای پیرامونی همچون جمهوری اسلامی ایران) تغییر یافته و همچنین با تغییراتی که در گذار از تهدیدهای متعارف به تهدیدهای غیرمتعارف و نامتقارن رخ داده است، ضرورت بازنگری در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی صورت گرفت؛ به‌گونه‌ای که اگر در دهه نخست، دکترین نظامی دولت یهود مبتنی بر «سه ستون» استوار بود؛ در دوره جدید و به‌ویژه در قرن بیست و یکم، چهارمین مؤلفه به مثلث امنیتی اضافه شده است؛ به‌طوری‌که علاوه بر مؤلفه‌های بازدارندگی، هشدار سریع و تصمیم‌گیری نظامی، مؤلفه «دفاع مدنی» یا به‌طور کلی مفهوم «دفاع» نیز به دکترین نظامی رژیم اشغالگر قدس اضافه شده است.

«مریدور» و «الدادی» از ژنرال‌های عالی‌رتبه رژیم صهیونیستی در تعریف گسترده از اصل دفاع می‌گویند: «دفاع، شامل تمام تلاش‌ها در سطح ملی برای حفاظت از جبهه داخلی است که به عرصه اصلی نبرد و به‌ویژه به دفاع از مردم و زیرساخت‌های استراتژیک مربوط می‌شود. حفاظت از خانه‌ها و همچنین تقویت توانایی بازدارندگی، افزایش فضای مانور دولت، احساس امنیت بیشتر و کاهش آسیب‌پذیری در زیرساخت‌های ملی است. علاوه بر این دفاع متوجه حفاظت از تأسیسات حساس، مراکز جمعیتی و اطلاعات رسمی است». (مقومی و قادری، ۱۴۰۱: ۳۲) از این رو دفاع مدنی، به‌طور ویژه به تهدیدهای نامتقارن که از سوی جنبش‌های داخل سرزمین‌های اشغالی صورت می‌گیرد و اقدامات چریکی که از سوی نیروهای غیردولتی همچون حزب‌الله لبنان ایجاد می‌شود، توجه دارد. بنابراین اصل دفاعی که در مفهوم حفاظت است، عمدتاً درگیر ایجاد مکانیسم‌های مؤثر برای محافظت از جبهه داخلی در برابر موشک‌هاست. با توجه به چنین تعاریفی از اصل دفاع مدنی و اتفاق رخ داده در عملیات طوفان الاقصی که منجر به کشته شدن یک هزار و ۲۰۰ نفر، زخمی شدن بیش از ۴ هزار نفر و اسارت ۲۵۰ نفر شده و همچنین شهرک‌های اطراف نوار غزه آسیب‌های فراوانی دیده و بعضاً کاملاً تخلیه شده‌اند و حتی به گفته سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی تقریباً نیم میلیون اسرائیلی از خانه‌های خود در شمال و جنوب فلسطین اشغالی آواره شده‌اند، نشان می‌دهد این اصل نیز در طوفان الاقصی خدشه‌دار شد و رهبران رژیم صهیونیستی نیز نتوانستند از صهیونیست‌ها دفاع کنند و عملاً دولت یهود به



پیامدهای راهبردی و بین‌المللی عملیات طوفان الاقصی

مهدی جهانبیگی کارشناس رسانه درباره پیامدهای راهبردی و بین‌المللی عملیات طوفان الاقصی و ابعاد تاکتیکی آن توضیح می‌دهد. برای مشاهده این کلیپ نمایه کیو آر کد را اسکن کنید.

